

## بازنمایی مسائل اجتماعی ایران در اسناد دیوان عدلیه اعظم، آغاز

سده ۲۰ / ۱۴

شهرام یوسفی فر<sup>۱</sup>

استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۵/۱؛ تاریخ پذیرش مقاله ۹۸/۶/۳

### چکیده

مطالعات مسائل اجتماعی در ایران، بر موقعیت امروز تمرکز دارد و به دلایل مختلف از رهیافت‌های تاریخی به دور مانده است. از سده ۱۹/۱۳ در اثر تماس‌های گسترده ایران با غرب، بسیاری مسائل اجتماعی کلان اجتماعی به وجود آمده و برخی از آن‌ها، در تولید ساختارها و مناسبات اجتماعی نقشی سرنوشت‌ساز ایفا کردند، از این رو فهم همه جانبه مسائل کلان اجتماعی امروزی نیازمند درک پیچیدگی‌ها و تطور مسائل تاریخی تا به امروز است اما نیل به این امر کار دشواری است؛ چراکه در چگونگی شناسایی و وصف مسئله‌های تاریخی هر دوره، به شدت تحت تأثیر نظام اندیشه‌ای قدرت سیاسی و اجتماعی زمانه خود قرار دارد. در این پژوهش با تکیه بر یک سنخ منبع، حاوی داده‌های منحصر به فرد از چالش‌ها و مسائل اوایل سده ۲۰/۱۴ ایران، مقوله‌بندی از مسائل اجتماعی ارائه می‌شود. اسناد بایگانی دیوان عدلیه اعظم بنا به ماهیت حقوقی و قضایی آن، مجموعه‌ای از داده‌هایی را به دست می‌دهد که به این پرسش پاسخ خواهد داد که در دوره مورد نظر چه مسائل کلان اجتماعی وجود داشت؟ این پژوهش با روش و رویکرد تحلیل داده‌ها به شیوه کیفی و استخراج داده‌ها و مقوله‌بندی آن‌ها از متون مورد نظر، انجام شد و در این مرحله تمرکز بر شناسایی و مقوله‌بندی مسائل کلان اجتماعی بود. تحقیق نشان داد چالش‌های اقتصادی و حقوقی - قضایی، اصلی‌ترین مسائل کلان اجتماعی در جامعه ایران در آغاز سده ۲۰/۱۴ بود.

**واژه‌های کلیدی:** دیوان عدلیه اعظم، مسائل اجتماعی، قاجار، محاکم شرع و عرف، مسائل مالی، مسائل حقوقی.

## مقدمه

مسائل اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی (شرایط ساختاری و الگوهای کنشی) هستند که بر سر راه پیشرفت جامعه، بین وضع موجود و آرمانی، قرار می‌گیرند (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۱). از این رو مدیریت و گذر از آن‌ها نیازمند مطالعه، تحلیل و صورت‌بندی است. در جامعه ایران، مسائل کلان اجتماعی بنا به دلایل مختلف ساختاری و غیر آن، موقعیت و ماهیت تاریخی دارند. الگوی غالب ظهور، مدیریت و سرانجام مسائل اجتماعی چنین بوده است که چون برخی از مسائل کلان یک دوره به دلایل ساختاری و مدیریتی تا مرحله گذار از موقعیت اجتماعی مسئله‌مند پیش نرفته و به شکلی نهادینه شده درمی‌آمد. بر این اساس فهم همه جانبه و مدیریت فرآیندهای مسائل کلان اجتماعی معاصر با رهیافت‌های تاریخی میسر است. بررسی تاریخی مسائل کلان اجتماعی ایران مبنایی سنجیده برای «تأسیس نظریه‌های تبیین‌گر موقعیت جامعه معاصر ایران» (افشار کهن، ۱۳۹۰: ۹) است؛ اما بررسی‌های کنونی در شناسایی و تحلیل مسائل کلان اجتماعی (از جمله ن.ک: مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۸۳) فاقد رهیافت‌های تاریخی بوده و محدود بررسی‌ها، تبارشناسی از مسائل کنونی به دست داده‌اند. درحالی‌که سؤال مقدر برای مطالعات مسائل اجتماعی این است: مسائل کلان اجتماعی ایران در دو سده اخیر کدام‌ها بوده‌اند؟ اگر مسائل تاریخی هر دوره از تاریخ معاصر، شناسایی و صورت‌بندی شده و فرآیند تحول و تغییرات آن تحلیل شود، ابزارهای مفهومی و تئوریک مفیدی برای درک عمیق‌تر و همه جانبه مسائل کنونی، به دست می‌دهد. مورخان در مسیر شناسایی مسائل کلان اجتماعی تاریخ معاصر عرصه بسیار دشوارتری از عالمان علوم اجتماعی، پیش رو دارند، زیرا بین مسئله واقعی و آنچه به‌عنوان مسئله اجتماعی معرفی می‌شود، به سادگی نمی‌توان تمایز گذارد (لوزیک، ۱۳۸۸: ۲۸). افزون بر آن این‌که چه شرایطی مسئله اجتماعی نامیده شود، خود «تابع فرض یک معیار و قضاوت اخلاقی» و لذا بسیار پیچیده است (چه چیزی، از نظر چه کسی غلط است و به چه دلایلی باید اصلاح شود؟) (لوزیک، ۱۳۸۸: ۳۱-۳۲). حال روایت‌های منابع از مسائل اجتماعی در ادوار تاریخی، تحت تأثیر مراجع تعیین‌کننده در بازنمایی مسائل اجتماعی زمانه بوده‌اند. از این رو برای پرهیز از کج‌تابی‌های مسئله اجتماعی در گزارش‌های معمول تاریخی، لازم است ابتدا مسئله‌شناسی تاریخی در هر دوره صورت گرفته، مسائل کلان اجتماعی تاریخی شناسایی و صورت‌بندی شود و در مرحله بعد چشم‌اندازی از تاریخ تحول و تغییر مسائل کلان تا به امروز ارائه گردد. فرآیندی که در نهایت امکان تبیین وجوه تاریخی مسائل کلان اجتماعی اکنون را فراهم می‌آورد. مقاله حاضر بر اساس این رویکرد و متکی بر یک سنخ خاص از گزارش‌های قابل‌اعتنا، چالش‌ها و مسائل اجتماعی ایران در دهه‌های

آغازین قرن ۱۴ ق/۲۰ م را در سوابق بایگانی «دیوان عدلیه اعظم» شناسایی، بررسی و تحلیل می‌کند. در باب پیشینه این‌گونه تحقیق، می‌توان آثار فریدون آدمیت را مثال زد که البته به شیوه‌ای دیگر، گونه‌ای مسئله‌شناسی تاریخی را مدنظر داشت. اگرچه او از دانسته‌ها و پیش‌فرض‌های خود در بررسی‌های تاریخی بهره‌مند بوده و از این رو به مانند مطالعه حاضر، درصدد شناسایی و مقوله‌بندی مسائل اجتماعی دوره‌های مختلف نبود، اما شناسایی مقوله‌های مباحث خود در آثار منتشرشده و نشده دوره قاجار، به خوبی انجام داد (ازجمله، ر.ک: آدمیت، ۱۳۵۶). افزون بر این مطالعات دیگری که در باب مسائل کلان تاریخی ایران انجام‌شده است، معطوف به مسائل کنونی چون تحلیل سیاست و حکمرانی، مناسبات اقتصادی، زمین‌داری، اخلاقیات و غیره است.<sup>(۱)</sup> پژوهش حاضر با تکیه بر اطلاعات موجود در دو مجموعه (پنج کتابچه) نویافته از سوابق بایگانی دیوان عدلیه اعظم، مربوط به سال‌های ۱۳۱۹ الی ۱۳۲۲ ق، انجام شد. بایگانی مزبور، بنا به منطق نگاه‌داری سوابق دیوانی، در دو بخش اوراق قابل نگاه‌داری و غیرضروری، سازمان‌دهی می‌شد. از سابقه بایگانی‌های منظم دیوان مزبور، بخشی اندک و پراکنده‌ای در دست است. مجموعه نخست شامل دو کتابچه (در یک مجلد)، به شماره ۸۳۱۷، در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (قم) محفوظ است. عنوان کتابچه نخست «کتابچه ثبت قبالات دیوان‌خانه عدلیه اعظم از بابت هذه السنه لوی نیل ۱۳۲۲ شهر محرم/الحرام» [از این پس ک ۱]، ۵۶ برگ و ۱۱۰ خلاصه گزارش، حاوی مستندات دعاوی طرح‌شده در دیوان عدلیه و مجالس مختلف آن است. عنوان کتابچه دوم «کتابچه ثبت التزامات دیوان‌خانه عدلیه اعظم از بابت هذه السنه لوی نیل ۱۳۲۲ شهر محرم/الحرام» [از این پس ک ۲] شامل ۳۷ برگ و ۱۴۰ خلاصه «التزام‌نامه» است. تاریخ اسناد از ۱۹ شهر محرم ۱۳۲۲ ق الی ۲۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۲ ق و سوابق گردش یک سال امور اداره‌های دیوان مربوط است و از این رو اطلاعات منسجمی در باب شمار مراجعات، ماهیت حقوقی دعاوی طرح‌شده در دیوان عدلیه اعظم و نیز فرآیند گردش امور اسنادی و قضایی در آن تشکیلات در بازه زمانی مورد نظر به دست می‌دهد. مجموعه دوم شامل سه کتابچه با شماره ۱۱۰۲۴ و عنوان «کتابچه عرایض و تظلمات» در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محفوظ است. بر خلاف عنوان مجموعه، محتوای اسناد گزارش گردش کار دعاوی و ثبت احکام صادره از محاکم شرع و عرف (ک ۳) و دستورات و احکام صادره از دیوان عدلیه برای رسیدگی به تظلمات توسط حکام ولایات (ک ۴) و ک ۵) است. از این رو کتابچه سوم مربوط به یک مجلس دیوان عدلیه و کتابچه‌های چهارم و پنجم مربوط به مجلس دیگری در عدلیه است. کتابچه نخست [از این پس ک ۳] شامل ۲۸ عنوان خلاصه سند (از نمره ۱۱ الی ۲۸) در ۱۴ برگ، کتابچه دوم (از این پس ک

۴) شامل ۲۴ خلاصه سند از نمره ۱۸۱ تا ۲۰۴ شامل ۱۲ برگ و کتابچه سوم (از این پس ک ۵) شامل ۲۴ خلاصه سند (از نمره ۲۰۵ الی ۲۲۸) شامل ۱۲ برگ است. کتابچه‌های این مجموعه برخلاف مجموعه نخست، فاقد تاریخ‌گذاری بوده و به نظر می‌رسد اجزایی از دفاتر بزرگ‌تری بوده‌اند که از سرنوشت آن‌ها خبری در دست نیست. پنج دفتر موجود از سابقه بایگانی عدلیه اعظم، مربوط به آغاز دهه دوم قرن ۱۴ ق/۲۰ م، منبع اصلی و انحصاری استخراج داده‌های این بررسی است. اصالت و اعتبار داده‌ها (از نظر تعلق به تشکیلات قضایی) و نیز جامعه آماری (گزارش یک سال کامل گردش کار ادارات مزبور)، موجود در کتابچه‌ها و نیز وجه روایت‌گر دقیق و به دور از آسیب‌های معمول گزارش‌های تاریخی، از نظر انطباق با واقع امر، مزیت‌های این منبع و مؤید وجوه بسندگی داده‌های مورد نیاز این تحقیق است. روش پژوهش مطالعه کیفی و روش بررسی ذره‌ای داده‌ها (استراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۷۹ به بعد) بود که کلیه داده‌های مربوط در اسناد، شناسایی و با شیوه «کدگذاری باز» (استراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۱۲۳ به بعد) مقوله‌های اصلی، ضمنی و مرکزی در بین داده‌های متن شناسایی و استخراج شد. لازم به اشاره است در شیوه تشخیص مشکل اجتماعی و روند تبدیل آن به مسئله اجتماعی، به دلیل عدم امکان پایش جامعه تاریخی و فقر داده‌های مورد نیاز برای فهم یک موضوع تاریخی، جهت‌دار بودن گزارش‌ها تاریخی دشواری‌هایی وجود دارد، که در پژوهش دیگری بدان پرداخته خواهد شد. چون تعریف مسئله اجتماعی بنا به اختلاف در تعریف جامعه و امر اجتماعی متفاوت است (افشارکهن، ۱۳۹۰: ۲۷). در تناسب با رویکرد مطالعه حاضر، این گزاره مفهومی مفیدتر است: «مسئله اجتماعی، یعنی بیشتر افراد جامعه می‌پذیرند که وضعیتی خاص و اشتباه، کیفیت زندگی و ارزش‌های آنها را تهدید می‌کند و پذیرفته‌اند که باید برای تغییر آن وضعیت کاری کنند» (کرون، ۱۳۹۰: ۲۳ - ۲۹۲؛ لوزیک، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۳-۳۵). از بین رویکردهای موجود در شناخت و تحلیل مسئله اجتماعی، دو رویکرد جامعه‌شناسانه و تاریخی برای بحث‌های حاضر بیشتر کارایی دارد. در مباحث جامعه‌شناسی، مسئله اجتماعی در سه رویکرد کلان به جامعه فردگرایانه؛ کنش متقابل عوامل اجتماعی؛ رویکرد ساختاری؛ (افشارکهن، ۱۳۹۰: ۳۰-۳۴) تحلیل می‌شود. به طور کلی مراحل تبدیل یک پدیده اجتماعی به مسئله اجتماعی چنین است: آغاز تغییر در نحوه تعامل اجزا و مؤلفه‌های اجتماعی با یکدیگر؛ مرحله آگاهی بخشی از جامعه و احساس تغییر در وضعیت پدیده‌های اجتماعی، بروز احساس تهدید ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب، تبدیل این آگاهی به یک امر عمومی‌تر، سیاست‌گذاری و تدوین پاسخ (چه باید کرد؟)، مرحله عمل و اجرای سیاست‌ها، و در نهایت مرحله بازسازی و خروج از مسئله اجتماعی (افشارکهن، ۱۳۹۰: ۴۰-۳۹). حال اگر مراحل خروج از مسئله محقق نشود، مسئله به مرور بازسازی و در اشکال

جدید و سازمان‌یافته‌تر ظاهر می‌شود. در این حالت جامعه یا مجدد بدان می‌پردازد یا آن را از کانون توجه خارج و به حاشیه می‌راند. در موقعیت جدید «شرایط مسئله‌ساز در درون سامانه نظم جدید مستقر و استمرار یافته و به هنگام ظهور شرایط خاص در اشکال جدید بروز می‌کند (افشارکهن، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۲). از این رو در بررسی هر مسئله کلان اجتماعی، توجه به منشأ و مراحل شکل‌گیری و فرآیند تکوین آن اجتناب‌ناپذیر است (افشارکهن، ۱۳۹۰: ۸؛ کرون، ۱۳۹۰: ۲۶)؛ اما رویکرد تاریخی در شناخت مسائل اجتماعی ایران، به دلیل فقدان مطالعات بسنده، به طراحی الگوی اولیه برای ساماندهی مباحث نظری و روشی نیاز دارد. ابتدا برای تبیین موقعیت بحث، اشاره‌ای به شرایط تاریخی جامعه ایران و ماهیت مسائل آن، در دنیای در حال تحول سده ۱۳ و ۱۴ ق. صورت می‌گیرد. در اثر تماس‌های جامعه ایران با نظام سرمایه‌داری جهانی (به ویژه از اواسط سده ۱۳ ق/ ۱۹ م) و آغاز روند مدرن‌سازی جامعه، تحولات اجتماعی شتاب بسیار یافت و مسائل کلان اجتماعی بسیاری به وجود آمد. در مواجهه با این مسائل، دولت‌ها و کنش‌گران اجتماعی راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی را تعریف و اجرا کردند. مرور مجموعه اقدامات، برنامه‌ها و گزارش‌های عملکردی دولت‌ها حکایت از آن دارد که به دلایل مختلف شناختی و اجرایی، فرآیند مدیریت مسائل مختلف از مفهوم‌بندی دقیق و نظریه‌ای جامع در تبیین موقعیت جامعه و مسائل آن، به دور بود و به طور معمول فرآیند خروج خردورزانه از مسئله، کمتر پیش می‌آمد، بلکه بیشتر یکی از راهبردهای حذف، نادیده‌انگاری یا کوچک شماری صورت مسئله، دخالت و تغییر در بخشی از اجزاء مسئله و کنترل قطعی عوامل و مؤلفه‌های مسئله، غلبه می‌یافت. از این رو، برخی از مسائل کلان اجتماعی در روند بازسازی خود، در اشکال مسائل جدید به صورت نهادینه شده و انضمامی در متن جامعه درمی‌آمد. به این دلیل است که نظریات و مفاهیم موجود نمی‌تواند تبیینی بر مسائل کلان امروز به دست دهد و تنها با تکیه بر شناخت تاریخی روندهای اجتماعی (شرایط پیدائی و تحولات، تغییرات و دگرگونی‌های مسائل در متن جامعه)، فهم همه جانبه مسائل اجتماعی ایران ممکن می‌شود. افزون بر این بررسی مسائل اجتماعی به دلیل کمبود داده‌ها با وضعیت «مخفی‌ماندگی» و ابهام در سرنوشت آن، روبرو است. از سوی دیگر به دلیل تفوق بسیار نهاد سیاست در جامعه، مسائل در هنگام بروز ماهیتی به شدت سیاسی و دارای ابعاد جدید شدند. در این راستا تأثیر عواملی چون «تداخل زنجیره‌ای مسائل اجتماعی در یکدیگر»، نبود «چارچوب‌های تحلیلی مناسب» (افشارکهن، ۱۳۹۰: ۵۲) برای شناخت مسئله در سازمان اجتماعی و تحولات تاریخی آن، مشکلات مطالعه تاریخی مسائل اجتماعی را بیشتر می‌کند. در مطالعه حاضر، بنا به ماهیت داده‌های تفسیر نشده در باب روابط فردی یا

اجتماعی چالش‌برانگیز دوره مورد نظر، امکان کشف مسائل اجتماعی به صورت بلاواسطه را به دست داده است. در مطالعه حاضر هدف اصلی شناسایی و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی دوره تاریخی مورد نظر است. مطالعات تکمیلی در باب تبیین مسائل کلان اجتماعی در این دوره، در مراحل بعدی صورت خواهد گرفت.

### ۱. داوری و مدیریت چالش‌ها و مسائل اجتماعی: محاکم عرف و شرع

چالش‌ها و مشکلات اجتماعی در سطح ساده و اولیه آن توسط مراجع مختلف (بزرگ خانواده، ریش‌سفیدان کوی و محله، کدخدا و کلانتر)، رسیدگی، داوری و حل‌وفصل می‌شد. در درون گروه‌های سازمان‌یافته‌تر نیز مراجع مشخصی چون نقیب سادات، روسای صنف، روسای عالمان دین و تجار و نظایر این موارد؛ به امور و چالش‌های اجتماعی رسیدگی می‌کردند. مهم‌ترین سازوکار رسیدگی و مدیریت چالش‌های اجتماعی تا دوره مشروطیت در الگویی دوگانه سازمان‌یافته؛ محاکم شرع، تحت مدیریت عالمان دین و محاکم عرف، تحت مدیریت دیوانیان بود. این نهادهای غیررسمی و رسمی امور بین مردم را بر اساس مقررات، هنجارها و قوالب عرفی و شرعی، انتظامات اجتماعی (تأمین امنیت روانی فردی و اجتماعی، کاهش چالش‌های اجتماعی، حل‌وفصل منازعات، تأمین امنیت سرمایه و حقوق مالکیت، برقراری عدالت و اجرای مقررات بازدارنده در حوزه‌های اخلاق نظم اجتماعی و موارد نظیر) برقرار می‌کردند. محکمه شرع مهم‌ترین مرجع در طرح، پیگیری و حل‌وفصل چالش‌ها و مسائل اجتماعی بود، که رسیدگی به آن‌ها در حوزه صلاحیت حکام شرع قرار داشت: امور دعاوی مدنی (ازدواج، طلاق، نسب)، رسیدگی به برخی جرائم (امور جنحه و جزایی مانند ضرب و جرح)، فصل خصومت، تعیین برخی امور جزایی (میزان دیه و ارش)، امور حسبی (تعیین وراثت، تحریر ترکه، تنظیم و تنفیذ وصیت، تعیین قییم و دیگر موضوعات نظیر) (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۳: ۸۹-۸۸، ۳۸-۴۴؛ Kondo, 2017). نیز عرصه گستره‌تری از چالش‌ها و مسائل در این محاکم رسیدگی می‌شد: چالش‌های مربوط به کسب‌وکار، امور معاملات در شهر و روستا، امور عبادات، قرض و اجاره، اجرای حدود شرعی، امور مربوط به جرائم و قتل، امور قسامه، امور فوت و وارث و وصیت، امور اوقاف و دیگر نظایر این موارد که تعلق به صلاحیت‌های حکام شرع داشت. محکمه عرف به شمار دیگری از چالش‌ها و مسائل اجتماعی رسیدگی می‌شد که عمدتاً دعاوی کیفری، دعاوی مردم بر دولت و دعاوی مدنی، احداث اربعه (قتل، ازاله بکارت، کور کردن چشم و شکستن دندان) و تحرکات علیه امنیت عمومی و موارد نظیر (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۳: ۸۸-۸۹؛ Kondo, 2017, 22-23) بود (مطالعه‌ای در باب نحوه تعامل بین محاکم شرع و عرف، ر.ک، یوسفی فر، ۱۳۹۸). دیوان عدلیه در سده ۱۳

از جمله در دوره امیرکبیر (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۰۸-۳۱۶؛ فلور و بنانی، ۱۳۸۸: ۳۵-۳۶) و میرزا حسین‌خان مشیرالدوله (اعتمادالسلطنه، ۲/۱۳۶۷: ۱۶۴۱؛ فرهاد، ۱۳۲۵: ۳۶) مراحل نوسازی در ساختار، آموزه‌ها و عملکردهای آن، در انطباق با نهادهای مشابه در ملل مترقیه (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۲۷-۱۵۸) را تجربه کرد تا هر چه بیشتر در روند رسیدگی و ختم منازعات و چالش‌های اجتماعی کارآمد شود (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۷۸-۱۷۷)؛ اما با وجود همه اقداماتی که در راستای کارآمد سازی دستگاه حقوقی - قضایی و مدیریت چالش‌ها و مسائل اجتماعی صورت گرفت (برای آگاهی از روند این تکاپوها، ر.ک: زندیه، ۱۳۹۲، امین، ۱۳۸۲، طیبی، ۱۳۸۸) تا از میزان ناراضی‌های عمومی کاسته و نظم اجتماعی مطلوب مستقر شود، در نهایت یکی از درخواست‌های محوری مردم معترض به حکومت، تأسیس عدالت‌خانه بود. موقعیتی که نشان داد نهادهای حقوقی - قضائی توانا، روزآمد و پاسخگو به مطالبات عدالت اجتماعی و حقوقی نبودند (کسروی، ۱۳۶۳/۷۳: ۱). در پی ناآرامی‌های گسترش‌یابنده در سال ۱۳۲۴-۱۳۲۳ ق (۱۹۰۵-۱۹۰۶ م)، فرمان صادر شد. «برای رسیدگی به عرایض کلیه رعایا و مظلومین... ترتیبی در امر عدالت‌خانه دولتی داده شود که رفع ظلم از مظلوم حقا و عدلا به عمل آید و در اجرا عدالت ملاحظه احدی نشود» (کسروی، ۱۳۶۳: ۷۱)، در فرمان تأسیس «عدالت‌خانه»، «اجرای احکام شرع مطاع و آسایش رعیت... اجرا... قانون معدلت اسلامی که عبارت از تعیین حدود و احکام شریعت مطهره... در تمام ممالک محروسه ایران...» (کسروی، ۱۳۶۳: ۷۱-۷۲) تأکید شد (جمادی‌الاول ۱۳۲۴ ق/ژوئیه ۱۹۰۶ م) (طیبی، ۱۳۸۸: ۴۳۳). خواست اجتماعی تحقق عدل و قانون مبتنی بر آموزه‌های حقوقی و فلسفه‌های اجتماعی جدید بود که البته پاسخ لازم نمی‌یافت. با این اشاره مجموعه کتابچه‌های حاضر گزارش مسائل و مشکلات جامعه ایران در دهه منتهی به وقوع انقلاب مشروطیت است، یعنی زمانه‌ای که چالش‌ها و مسائل اجتماعی انباشت شده دوره قاجار در نهایت زمینه‌ساز وقوع انقلاب شد. از آنجا که محاکم شرع و عرف، مرجع نهایی رسیدگی به چالش‌ها و مسائل کلان اجتماعی بودند و از سوی دیگر به عنوان سازمانی اجرایی و حقوقی - قضایی، مسائل در دست بررسی را گزارش‌گیری و بررسی و با نهایت دقت ثبت و ضبط می‌کردند، از این رو یکی از دقیق‌ترین و مستندترین گزارش‌ها در باب موضوع این تحقیق در منابع مزبور وجود دارد. افزون بر این توضیحات مربوط به گردش کار رسیدگی به مسائل و چگونگی مدیریت و سرانجام چالش‌ها در این منابع مندرج است، می‌توان از داده‌های بسیار غنی، برای ترسیم چشم‌اندازی از چالش‌ها و مسائل اجتماعی زمانه صحبت کرد. ناگفته پیداست جدای از بهره‌ای که این داده‌ها برای مطالعه حاضر دارد، امکان مطالعات فراتر در زمینه‌های بررسی ماهیت دعاوی،

سنخ‌شناسی چالش‌های حقوقی و قضایی، بازشناسی رویه‌های دادرسی در محاکم شرع و آراء مجتهدان بزرگ تهران در باب مسائل مطرح شده، از خلال اسناد فراهم می‌شود.

## ۲. پژوهش و بررسی: چالش‌ها و مسائل اجتماعی

در این بخش نتایج پژوهش در سوابق بایگانی دیوان عدلیه اعظم، از نظر شناسایی، مقوله‌بندی چالش‌ها و مسائل اجتماعی دوره مورد نظر ارائه می‌شود. بر اساس روش بررسی و شناسایی و استخراج داده‌های مربوط به موضوع از مجموعه‌های اسنادی مورد نظر، مقوله‌های اصلی، که دربردارنده چالش‌ها و مسائل بازتاب یافته در اسناد مورد نظر بودند، به این ترتیب است: الف. مسائل اقتصادی (چالش‌های مالی، معاملات، ارث، اجاره، مهریه)؛ ب. مسائل حقوقی - قضایی (چالش‌های معاملات، ارجاع دادرسی به محضر شرع، دعاوی ملکی، وقف، ارث، طلاق، نقص دادرسی، عدم پذیرش و اجرای رأی محاکم، جعل سند)؛ ج. مسائل فرهنگی و دینی (وقف)؛ د. مسائل اجتماعی (ناامنی، سرقت، غارت؛ قتل، ظلم حکام). در مقوله‌بندی چالش‌های اجتماعی در منابع مورد مطالعه، بنا به ماهیت پیچیده چالش‌ها و مسائل اجتماعی، که گاه یک چالش افزون بر وجه مالی، وجه حقوقی یا ملکی هم داشت، به ناگزیر در مقوله‌بندی داده‌ها، از منظر برتری یک وجه بر وجوه دیگر و از طریق ارجاع مضامین مشترک با مقولات دیگر، این هم‌پوشانی‌ها، ساماندهی شد. نکته مهم دیگر در باب نحوه ارائه شواهد در این پژوهش، این است که برای پرهیز از انباشت متن از ارجاعات به شواهد در متن کتابچه‌ها، هر موضوع و مضمون مورد بحث، به اصلی‌ترین و مفصل‌ترین گزارش در متن ارجاع شد. امید که جزئیات مشروح این مباحث در پژوهش مبسوط‌تری که انجام خواهد شد، ارائه شود.

### ۲-۱. مسائل اقتصادی

چالش‌ها و مسائل اقتصادی از نظر شمار موارد مطرح و نیز تنوع موضوعات مربوط، در صدر مقولات شناسایی شده از داده‌های موجود در مجموعه اسناد عدلیه اعظم قرار دارد. چالش‌های مربوط را می‌توان در چند محور اصلی، به شرح زیر دسته‌بندی کرد؛

#### ۱-۲-۱. چالش‌های مالی

نخست مشکلات و مسائل مالی ناشی از اختلافات بر سر تسویه ماترک بین ورثه، مدعیان و طلب کاران متوفی، که از نظر طول مدت طرح دعوی و نیز پیچیدگی‌های موضوع مهم بودند. گستره و نوع چالش‌ها چنین بودند: ادعای طلب بر متوفی (ک ۱ ب ۵۵ پ؛ ک ۳ ب ۱ ر)، طلب ورثه بر طرف معامله وی (ک ۳ ب ۳ ر، ک ۳ ب ۱۴ ر)، گاه دو گروه وراثت علیه هم و در مواردی شخص ثالث نیز وارد می‌شد (ک ۱ پ ۲۳ ر و ۲۳ پ) که روند تسویه حقوقی و مالی بین آنها دشوارتر می‌شد. معمولاً هرچه روابط متوفی با شریک و طرف معامله وی خصوصی‌تر بود، اثبات ادعا پیچیده‌تر می‌شد، مانند دعوی ارث بر زن پدر (ک



۲ ب ۶۵ پ). گاه در اثر فوت برخی از ورثه املاک و اموال وی دوباره به فروش می‌رسید (ک ۲ ب ۸۳ ر). تعلل افراد در تسویه ارث، به بهانه‌های مختلف بود (ک ۱ ب ۲۸ ر- پ). مرگ فرد حادثه‌ای بود که مسائل مالی به دنبال داشت که یا در اثر عدم ثبت قراردادهای مالی تأخیر در تسویه حساب‌های شرکا یا متعاملین یا عدم ادای دیون بود. این امر افزون بر چالش خیز بودن معاملات اقتصادی و مالی بین افراد، به نبود رویه‌های قانونی و الزام‌آور ثبت عهود و قراردادهای مالی بین افراد باز می‌گشت و دعوای طولانی مدت و پر دردسری را به اجرا می‌آورد. دوم، چالش‌های ناشی از اختلافات مالی معمول بین افراد: این گونه چالش‌ها از تنوع برخوردار بود: فرار از ادای دین و درخواست الزام به پرداخت بدهی، مانند اختلافات بر سر دریافت اجاره یا اجرت العمل (ک ۳ ب ۸ ر). برخی از مشکلات مالی چون بیشتر شامل اختلاف در «حساب و کتاب» یا دعوای بود، اثبات و رد آن نیازمند دادرسی وفق مقررات قضایی شرع بود و از این رو به ناگزیر بین دیوان عدالت و شرع توأمان بررسی می‌گردید. مشکلاتی چون: انکار بدهی (ک ۲ ب ۶۰ ر، ک ۲ ب ۵۸ ر) اختلاف در حساب‌های موقوفه‌ها (ک ۲ ب ۸۴ پ ر)؛ الزام به ایراد قسم یا حصول صلح در مورد بدهی (ک ۳ ب ۷ ر)؛ رسیدگی به اسناد شرعی معاملات (ک ۲ ب ۷۱ ر)، ادعای غبن در معاملات (ک ۱ ب ۶ ر)، دعوای عمومی افراد علیه دیگر مانند غارت اموال توسط عمل حکومت و أخذ جریمه (ک ۱ ب ۲۴ ر، ک ۲ ب ۵۹ پ، ک ۲ ب ۷۵ ر). این گونه اختلافات و منازعات نیازمند اثبات دعوای بر یکدیگر بود که مراحلی چون ارائه مستندات تا اقامه قسم و احضار شهود و مواد دیگر باید طی می‌شد. تحلیل محتوای گزارش‌های مربوط به چالش‌های فوق اشکالی از ضعف در مستندسازی فعالیت‌های اقتصادی و مالی و نیز الزام قانونی به ایفای تعهدات مالی برمی‌گشت.

#### ۱-۲-۲. چالش‌های مربوط به معاملات

مقوله دیگری از چالش‌ها و مسائل طرح شده در دیوان عدلیه اعظم، به موضوع معاملات مربوط می‌شود. مهم‌ترین زمینه‌های چالش برانگیز در این زمینه چنین بودند: عدم اجرای تعهدات در قرارداد خرید و فروش یا وجود اشکالات در فرآیندهای مزبور، فروش مکرر ملک و بروز آشفتگی در روابط بین خریدار و فروشنده، شکایت خریدار از فروشنده، معامله اکراه آمیز و اجباری، فروش مال غیر و آشفتگی در اسناد معاملات. بیشترین چالش‌ها در موضوع معاملات به عدم ایفای تعهدات طرفین بازمی‌گشت. این امر از یک سو به دلیل فقدان تضمین‌های مؤثر و کارآمد حقوقی و قضایی و اجرایی در معاملات و از سوی دیگر به وضعیت پیچیده بیع شرط مربوط بود. در بیع شرط شروط ضمن عقد پیچیده به طرق مختلف زمینه فرار از تعهدات معامله را امکان‌پذیر کرده و اشکالات و نزاع‌های طولانی را دامن می‌زد (ک ۲ ب ۸۲ پ). بخشی از دعوای و چالش‌های مربوط که در عدلیه طرح و پس از بررسی‌های شکلی (ک ۲ ب ۶۳ پ) بیشتر آن موارد به محکمه

شرع ارجاع می‌شد (ک ۳ ب ۱۲ ر، ک ۲ ب ۸۲ پ) به این قضیه ربط داشت. اشاره می‌شود یکی از زمینه‌های بروز این مسئله به نیاز روزافزون مردم به پول، قرض پول و سپردن رهن برمی‌گشت که اغلب رهن در شکل واگذاری یا فروش مشروط سهمی از مالکیت مستغلات عمل می‌شد. در جریان معامله سهمی از مالکیت ملک به وام‌دهنده منتقل می‌شد تا در صورت بازپرداخت، اصل پول قرض شده با سود، ملکیت به مالک اول برگردانده شود. روالی که در عمل بس مناقشه برانگیز و دردسرساز بود. چالش دیگر در این حوزه فروش مکرر ملک بود. یکی از پیچیده‌ترین این موارد به فروش مکرر املاک متوفی توسط ورثه و اختلافات ناشی از این (ک ۱ ب ۲۵ ر؛ ک ۱ ب ۲۲ پ) بود. به عنوان مثال یک نمونه از درهم پیچیدگی دعوای حقوقی در باب مالکیت مستغلات شهری (خانه) در تهران، به معاملات مکرر و تصرف غیرشرعی ملک، تصرف لوازم منزل، مخدوش کردن اسناد ملکی، فروش املاک وقفی، دعوی ورثه، اختفاء اسناد، ادعا بر میتة به قصد فرار از دعوی در محکمه، در آن طرح شده بود (ک ۱ ب ۲۵ پ، ک ۲ ب ۲۶ ر) بازمی‌گشت. برخی از مسائل معاملات به عدم ایفای تعهد فروشنده در قبال خریدار، به دلیل ضعف ضمانت‌های بیع مستغلات و اراضی شهری و روستایی بود (ک ۴ ب ۳ ر؛ ک ۵ ب ۳ ر). فروش اجباری ملک به افراد ذی‌نفوذ نیز قضیه دیگری بود (ک ۱ ب ۵۶ ر). ادعای غبن در معاملات (ک ۲ ب ۷۳ پ)، دعوی «حق سرقفلی» املاک تجاری (ک ۲ ب ۸۳ ر)، نیز در چالش‌های طرح شده در سوابق، وجود دارد.

### ۱-۲-۳. چالش‌ها در موضوع اجاره املاک و مستغلات

قرار اجاره و موضوعات مربوط به آن نیز در حوزه صلاحیت‌های محاضر شرع بود (محقق حلی، ۱/۱۳۷۴: کتاب اجاره: ۲۹۸-۳۱۶). اما در دیوان عدلیه شماری شکایات به موضوع اختلافات در عقود اجاره مربوط بود. مهم‌ترین چالش‌ها و مسائل مطرح چنین بود: *چالش‌های ناشی از اجاره‌داری/املاک و مستغلات شهری*: دعاوی در باب «حق آب و گل و سرقفلی دکان» (ک ۲ ب ۸۳ ر)، پرداخت اجاره کاروانسرا و دکان (ک ۲ ب ۶۹ پ؛ ک ۲ ب ۷۱ ر)، اختلافات در باب اجاره ملک مسکونی. لازم به ذکر است این مورد، افزون بر دعاوی معمول در باب نپرداختن اجاره یا اختلافات در باب آن بود. چالش در موضوع اجاره و پرداخت مال‌الاجاره، بیشتر به مشکلات ناشی از شیوع قراردادهای بیع شرطی بازمی‌گشت. وضعیتی که بازتاب رشد مناسبات پولی و ترجیح تجارت پول در این زمانه بود و البته بسیاری مسائل و چالش‌های حقوقی و اقتصادی را موجب شده بود (ک ۱ ب ۵ ر؛ ک ۲ ب ۶۳ پ). *اجاره/املاک و مستغلات روستایی*: چالش‌های اجاره املاک خالصه، ادعای مالک یا اجاره‌دار در پرداخت «اجور» سنوات قبل (ک ۱ ب ۵۶ ر)، پرداخت وجه اجاره آب (ک ۳ ب ۳ ر)، یا عدم پرداخت وجه مال‌الاجاره یخچال قریه (ک ۱ ب ۱۹ ر)، نرساندن اجاره ملک زراعی (ک ۴ ب ۹ ر؛ ک ۵ ب ۷ ر)، پرداخت اجاره قریه (ک ۵ ب ۹ ر).

#### ۴-۲-۱. چالش‌ها و مسائل مربوط به مالیات‌گیری

ساماندهی امور مالیاتی در دیوان استیفا و مالیه بود و در نهایت موضوع به صدراعظم و وزیر مالیه ارجاع و رسیدگی می‌شد؛ اما برخی مسائل سیاسی و اجتماعی و مالی در رابطه با چگونگی محاسبه و أخذ مالیات‌ها، زیاده‌ستانی، خطاکاری‌های حکام و نظایر این‌ها وجود داشت که به ناگزیر در نزد مقامات طرح و پیگیری شده است. در اسناد شماری مسائل در باب امور مالیاتی و معافیت‌ها از مسیر نهاد دادرسی پیگیری شده است: شکایت از حکومت ولایات در نقض معافیت‌های مالیاتی (ک ۴ ب ۶ پ؛ ک ۵ ب ۴ ر). این گونه شکایات بیشتر از حکامی طرح می‌شد که در سال‌های پایانی حکمرانی خود و به هنگام تسویه امور مالی دوره حکومتشان از رعایا زیاده‌ستانی کرده و از ظلم و اعمال وی دادخواهی می‌شد. چالش دیگر مطرح در اسناد، تعرض به اراضی وقفی بود که در شکل برقراری طرح و مالیات دیوانی بر زمین‌های وقفی رواج داشت. شیوه چنین بود که مالکان قراء مجاور این اراضی، بخشی از جمع دیوانی خود را املاک وقفی تحمیل می‌کردند (ک ۵ ب ۲ پ؛ ک ۴ ب ۲ پ). چالش‌های مربوط به این مقوله، بازتابی از ایجاد فشارهای مالیاتی بر بخش‌های مختلف و نادیده انگاری روال‌های مرسوم در مالیات‌ستانی بود.

#### ۴-۲-۲. مسائل حقوقی و قضائی

منظور از چالش‌ها و مسائل حقوقی - قضائی، آن دسته از پدیده‌های اجتماعی مشکل‌ساز بود که در آن‌ها مؤلفه‌های حقوقی و قضائی غلبه داشت. با این تأکید که همه پدیده‌هایی که حقوقی و قضائی شمرده می‌شوند؛ دارای مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی یا اجتماعی نیز هستند. مهم‌ترین مقوله‌های چالشی و مسئله مند در گزارش‌های مزبور چنین است؛

#### ۴-۲-۲-۱. دوبخشی بودن مرجع رسیدگی به امور

با آن که تفکیک امور قضائی و حقوقی بین دو حوزه شرع و عدلیه، مزیت‌هایی داشت؛ اما بنا به تحولات اجتماعی سده ۱۳ ق پیامدهای ناخواسته و زیانباری در روند رسیدگی به مسائل و چالش‌هایی که در دو نهاد طرح و بررسی می‌شد، ایجاد کرد. به طور کلی افراد مختار بودند دعوی خود را در عدلیه یا محاکم طرح و پیگیری کنند. در دیوان عدلیه مقامی صاحب صلاحیت شرعی (صدر) با یک مجلس اختصاصی جهت رسیدگی به امور مربوط وجود داشت، اما بنا به این‌که شمار درخوری از دعاوی ماهیت قضای شرعی و در حوزه صلاحیت قضایی آن محاکم قرار داشت، در روند دادرسی، بنا به ضرورت پرونده جهت طی مراحل خاص دادرسی به محکمه شرع ارجاع و احکام دریافت و اجرا می‌شد. این دوپارگی در رسیدگی قضایی، بنا به برخی تفاوت‌ها در روال محاکم و نیز ضعف گردش اطلاعات در محاکم و نیز اشکالات مربوط در ولایات و دخالت عوامل با نفوذ در

این روندها که با حیل‌ها و روش‌های مغل دادرسی، هم توأم می‌شد، اسباب بروز برخی بی‌رسمی‌ها در جریان دادرسی و روند صدور احکام بود. به گونه‌ای که خواهد آمد یکی از مهم‌ترین ایرادها و چالش‌ها در این راستا عدم اجرای احکام صادره بود. مسائلی که به محاکم شرع ارجاع می‌شد، چنین بود؛

الف- دعاوی ارث، ادعاهای ورثه بر یکدیگر (ک ۱ ب ۴۹ پ)، مسائل مربوط به بدهکاری و تسویه اموال متوفی (ک ۲ ب ۸۰ ر)، تقسیم ترکه، تنظیم تقسیم‌نامه (ک ۱ ب ۹ پ و ب ۱۰ ر).

ب- دعاوی مالی، انکار طلب مدعی از سوی بدهکار یکی از شایع‌ترین موارد بود (ک ۱ ب ۵۴ پ؛ ک ۲ ب ۷۷ ر). برخی دعاوی مالی بعد از طرح شکایت در عدلیه، شماری اختلافات مالی قبلی را به میان می‌آورد که باید با ادای قسم موضوع فیصله می‌یافت (ک ۳ ب ۷ پ). دعاوی رعایای قریه بر حاکم سابق (ک ۲ ب ۷۸ ر؛ ک ۱ ب ۳۰ پ). دعاوی مالی که از دیوان عدلیه به محضر شرع ارجاع می‌شد، در برخی موارد پیش از آن در محکمه شرع یا رسیدگی شده و حکم صادره اجرا نشده بود یا اسناد و مدارک مربوط به قرار مالی در آنجا تنظیم شده بود.

د- دعاوی ملکی، معاملات ملک در محضر شرع انجام می‌شد؛ اما با طرح شکایت ملکی در دیوان عدلیه اگر موضوع در عدلیه فیصله پیدا نمی‌کرد باید به محاکم شرع مربوط ارجاع می‌شد. این گونه موارد چنین است: تصرف ملک (ک ۱ ب ۵۰ ر)، دعاوی مربوط به لزوم قطعی شدن بیع شرطی املاک (ک ۱ ب ۳۷ ر)، عدم ادای تعهد مبیاعه به بهانه غبن (ک ۱ ب ۲۴ پ؛ ک ۲ ب ۶۳ ر)، عدم پرداخت قیمت مبیاعه ملک به طور کامل، فروش مکرر ملک و وجود چند مدعی مالکیت (ک ۱ ب ۲۲ پ)؛ ادعای فروش اجباری ملک به حاکم (ک ۱ ب ۵۶ ر). این گونه مرافعات با ارائه اسناد طرفین، احضار شهود امر، توضیحات طرفین دعوی و در صورت لزوم ادای قسم دال بر مدعای خود بررسی و تصمیم‌گیری و رأی صادر می‌شد.

#### ۲-۲-۲. مسائل مربوط به وقف

امور استقرار وقف و رسیدگی به مباحث مختلف آن نیز یکسره در اختیار عالمان و احکام شرع بود و طبق ضوابط دینی و مذهبی حل و فصل می‌شد (محقق حلی، ۱/۱۳۷۴، کتاب وقوف و صدقات: ۲۴۳-۳۶۰)؛ اما مواردی از اشکالات و مسائل در باب اوقاف به دلایل مختلف از جمله عدم حل و فصل مشکلات و به نتیجه نرسیدن اختلافات در عدلیه طرح می‌شد. مهم‌ترین محورهای مشکلات طرح شده چنین است: اختلاف بر سر وقفی بودن یا نبودن ملک، به ویژه هنگامی طرح می‌شد که بر سر وصیت متوفی نیز چالش می‌شد (ک ۲ ب ۶۸ ر). مورد دیگر به اختلاف نظر در باب «حق‌النظاره» موقوفه (ک ۲ ب ۶۰ پ)، نیز تصرف ملک وقفی (ک ۲ ب ۵۸ پ، ۶۶ پ؛ ک ۱ ب ۲ پ) مربوط بود. سوابق امور موقوفه‌ها در محاضر

شرع بود و از این رو امور وقف توسط حکام شرع رسیدگی و تصمیم‌گیری می‌شد، اما وجود برخی دعاوی در عدلیه با موضوع وقف، تأمل‌برانگیز است. چالش‌ها و مسائل مربوط به اختلافات افراد دخیل در اداره یا دعوای تصرف و یا تبدیل موقوفات بازمی‌گشت. مستندات استفتاء (ک ۱ ب ۲ پ)، اختلاف بر سر تولیت موقوفه (ک ۲ ب ۲ پ)، نفی وقف بودن ملک (ک ۲ ب ۲ پ). عمده‌ترین محورهای ارجاع شده به محاضر شرع در پنج محور فوق بود. این موارد به دلایل گوناگون در عدلیه مطرح می‌شد و از مجری این نهاد به محکمه شرع عودت و نتیجه دادرسی از آنجا دریافت و اجرا می‌شد.

### ۲-۲-۳. چالش‌ها و مسائل مربوط به ارث

موضوع وصیت، تدوین متن و قرارهای مربوط نیز به عنوان موضوعی شرعی (محقق حلی، ۱۳۷۴، ۲، ۳۸۳ به بعد) در محاکم شرع صورت می‌گرفت و اختلافات ناشی از آن نیز در آنجا رسیدگی و تصمیم‌گیری می‌شد. افزون بر چالش‌های مربوط به وجوه اقتصادی موضوع ارث (مطرح در بند ۱-۳-۱) شماری چالش‌ها و دعاوی دیگر که وجه حقوقی - قضائی داشتند، در دیوان عدلیه طرح می‌شد. یکی از مهم‌ترین دلایل طرح موضوع ارث در عدلیه به ناسرانجامی آن دعاوی در محاکم ولایات و یا عدم راهگشایی در محاکم شرع بود. بررسی موارد مطرح شده در عدلیه نشان‌دهنده طیف مسائل اجتماعی ناشی از اصول وصایت و ارث در جامعه آن روزگار است. مهم‌ترین مقوله‌هایی که بحث ارث در اسناد بایگانی دیوان عدلیه اعظم وجود دارد، بدین شرح است: مسائل مربوط به ارث صغیر: مانند تعیین قییم (ک ۱ ب ۴۴ ر)، عدم رعایت حقوق اصغار (ک ۳ ب ۹ پ)؛ اختلاف در اجرای وصیت: مسائل مربوط چنین بود: اختلاف در مورد وصی (ک ۴ ب ۸ پ)، مفاد وصیت‌نامه (ک ۲ ب ۶۸ ر)، تعیین تکلیف ثلث اموال (ک ۱ ب ۱۱ پ). ارث، اختلاف ورثه: درگیری‌ها بین ورثه که به دلایل تعدد زوجات متوفی یا عدم انحصار وراثت (ک ۲ ب ۶۱ پ)، عدم تعیین ترکه (ک ۲ ب ۸۲ ر؛ ک ۲ ب ۸۱ پ) و اقدام در تصرف اموال متوفی، دست‌اندازی وراثت بر اموال (ک ۲ ب ۸۲ پ)، انکار حقوق ارثیه دیگری (ک ۲ ب ۶۳ پ). موضوع ارث از فرزند (ک ۳ ب ۹ پ)، دعاوی ورثه دو خانواده علیه یکدیگر، عدم تسویه ارث بعد سال‌ها (ک ۲ ب ۸۱ ر). ارث شوهر از همسر (ک ۱ ب ۴۶ ر؛ ک ۲ ب ۵۸ پ). دعاوی مربوط به این‌که فرد «اثاث البیت» و اموال موجود در منزل متوفی را تصاحب کرده است. معمولاً فرزندان بر زن پدر چنین ادعائی می‌نمود (ک ۲ ب ۶۵ پ؛ ک ۲ ب ۸۲ پ). این موارد به محضر شرع ارجاع می‌شد (ک ۱ ب ۱ ر؛ ک ۲ ب ۱۰ ر) و گاه بین زن و شوهر بود (ک ۱ ب ۲۵ ر، ۲۶ ر). این‌گونه دعاوی به‌طور آشکار توسط کسانی مطرح می‌شد که به خاندان‌های ثروتمند و اعیانی جامعه تعلق داشتند. اسباب و لوازم زندگی این افراد ارزش طرح شکایت و پیگیری در محاکم عدلیه و شرع را داشته است. در برخی اسناد محاکم شرع فهرست اقلام و لوازم منزل مورد دعوی درج شده است. همه این موارد که به طور

معمول طولانی مدت و پیچیدگی‌های بسیار یافته بود، مانند امور ملکی (ک ۱ ب ۶ پ) یا تجاری (ک ۱ ب ۳۳ پ و ۳۳ ر)، به محاکم شرع ارجاع می‌شد تا بررسی و رأی صادر شود. بخشی از علل اطالۀ دعاوی به عدم تمکین طرفین به احکام صادره، عدم پاسخگویی به ادعاهای مطرح و نیز لزوم توسل شاکیان به عدلیه جهت اجبار طرف به پاسخگویی و ادای حقوق دیگران بازمی‌گشت.

#### ۲-۲-۴. چالش‌ها و مسائل موضوع طلاق و مهریه

نظر به این که امور نکاح و طلاق در محاضر شرع و طبق اسلوب مربوط (محقق حلی، ۲/۱۳۷۴، باب نکاح: ۴۲۸-۷۵۰؛ باب طلاق: ۷۵۱-۸۵۹) صورت می‌گرفت، شماری چالش‌ها و دعاوی طلاق و به ویژه مهریه در عدلیه طرح شده بود. اصلی‌ترین چالش‌هایی که در این مقوله وجود دارد، چنین بود: وقوع طلاق در آستانۀ مرگ شوهر و پنهان کردن و سرقت طلاق‌نامه توسط زن (ک ۲ ب ۸۲ پ) دعوایی مفصل به وجود آورده بود. اما عمده چالش‌ها به موضوع مهریه مربوط بود: ادعای زوجه بر «حقوق ارثیه و ربیعه و مهریه» اش، از مادر شوهر مرحومش (ک ۲ ب ۸۲ ر)؛ اختلافات طولانی زن و مرد بر سر مهریه و دعاوی مالی علیه یکدیگر (ک ۱ ب ۲۱ پ؛ ک ۲ ب ۸۰ پ). انکار زوجیت زوجه از سوی ورثه (ک ۲ ب ۵۹ ر). مراحل پرداخت صداق به زن و تسجیل آن در محضر شرع و عدلیه صورت می‌گرفت (ک ۱ ب ۱۴ پ). موارد مطرح شده در باب موضوع اختلافات بر سر پرداخت مهریه در عدلیه مواردی چالشی و غیرقابل حصول در محاکم شرع را نشان می‌دهد که در اسناد موجود چنین منعکس شده است.

#### ۲-۲-۵. چالش‌های ناشی از نقص دادرسی

مقوله نارضایتی از روند دادرسی و احقاق حق، از مسائل اساسی منعکس در اسناد عدلیه است. شکایت از نقص در روند دادرسی در محاکم عرف یا شرع ولایات یا وجود موانع آشکار و پنهان در جریان دادرسی، که مانع از احقاق حق یا به ثمر رسیدن دادرسی می‌شد. در این موارد به ناگزیر باید به مراجع بالاتر - شاه یا وزیر عدلیه - شکایت ارسال می‌شد تا مانع از ترک یا مسکوت ماندن دعوی می‌شدند. اگرچه شمار زیادی از این گونه شکایات پس از بررسی در دیوان عدلیه جهت اجرای حکم صادره یا تکمیل تحقیقات به دیوان عدلیه ولایات ارجاع می‌شد. چالش‌های دادرسی‌های نافرجام در ولایات، دلایل گوناگون داشت. بخشی از اشکالات به جریان دادرسی و نحوه عملکرد مسئولان ذیربط یا به اطالۀ دادرسی و عدم حصول نتیجه، مربوط بود: شکایت از اطالۀ دادرسی‌ها در محاکم عرف (ک ۱ ب ۲۵ پ)، تظلم از حکومت ولایت و ظلم حاکم، اعمال نفوذ افراد قدرتمند محلی و ممانعت از احقاق حق فرد، شکایت از تعدی، غارت، هتک ناموس و هدم خون افراد در ولایات (ک ۴ ب ۸ ر)، دعاوی ملکی (ک ۴ ب ۳ ر)، تصرف و تعرض به املاک (ک ۴ ب ۷ پ)، شکایات از رویه مالیات‌گیری (ک ۴ ب ۵ ر، ک ۴ ب ۲ پ).

صدور احکام ضد و نقیض در محاکم محلی (ک ۱ ب ۵۰ ر). چالش دیگر ناشی از نقص دادرسی، این بود که گاه احکام صادره از محاکم شرع و عرف به دلیل اعتراض یکی از طرفین یا عدم تمکین فرد و مقاومت در برابر اجرای حکم اجرا نمی‌شد. گاه عدم حضور در محاکم نیز چون کارشکنی در روند دادرسی بود. در این موارد نیز شکایات به شخص شاه یا وزیر عدلیه ارسال می‌شد تا از این طریق امکان احقاق حق فراهم شود. وجود شمار درخوری شکایات مربوط به عدم تمکین افراد در اجرای احکام شرعی و عرفی در زمانه مورد بررسی، درخور تأمل است. اشاره‌ای به دستور ناصرالدین‌شاه در این رابطه قدری روشن‌تر اوضاع را نشان می‌دهد. در سال ۱۲۷۸ که وزیر عدلیه وقت درگذشت و امیر دیوان وزیر عدلیه شد شاه دستخطی در تأکید بر «پیشرفت قواعد دیوان عدالت» و اقدامات مرحوم معتمدالدوله - وزیر قبلی عدلیه - منتشر کرد که تأکید داشت «آنچه آن مرحوم انجام داده است و حکم کرده باید مجری و ممضی باشد و تغییر و تبدیلی نپذیرد». لذا امر می‌کنم اگر کسی بخواهد تصرفی در احکام صادر آن مرحوم کند، وزیر عدلیه به عرض شاه رسانیده و رفع تصرف و تغییر احکام صادره سابقه را می‌کند. همچنین «اموراتی که راجع به آن مرحوم و مخصص دیوان عدلیه بوده و تا حال ناتمام مانده، وزیر عدلیه بدون مداخله غیر به اتمام رسانده و صورت انجام عمل را به شاه عرض می‌کند. کسی حق مداخله در امور دیوان را ندارد و اگر کسی مساهله و مداخله در اجرای احکام صادره از دیوان عدلیه کرد به شاه عرض کند» (رجب ۱۲۷۸) (روزنامه دولت علیه ایران، ۲۹ رجب ۱۲۷۸، نمره ۱۳: ۵). نگرانی از به هم خوردن سیر رسیدگی به پرونده‌ها و شکایات و نیز آغاز تجدید دادرسی در مرافعات سرانجام یافته در این دستور آشکار است. تلقی جامعه‌ای که اعتبار رأی و حکم صادره را به شخص وزیر عدلیه می‌داد. مهم‌ترین مقولات مطرح در باب عدم تمکین از احکام و آراء صادره در محاکم که به دیوان عدلیه گزارش می‌شد، چنین بود: گاه عدم تمکین به اعضای خانواده در احکام صادره در نزاع‌های ملکی و مالی بین یکدیگر بازمی‌گشت (ک ۴ ب ۱ پ؛ ک ۴ ب ۱۲ پ)، گاه فروشنده ملک عین آن را به تصرف خریدار نمی‌داد (ک ۲ ب ۸۳ ر؛ ک ۵ ب ۱۱ ر). در این رابطه گاه بنا به عدم اجرای احکام صادره دیوان عدالت در ولایات مأمورانی جهت روانه حکم روانه می‌شدند تا اقدام لازم را به عمل آورند (ک ۵ ب ۵ ر). ظاهراً احکام قبلی در این خصوص اجرا نشده بود.

## ۲-۲-۶. مسائل ناشی از پذیرش رأی محاکم

در دیوان عدلیه روال چنین بود که در جریان دادرسی دعاوی در مراحل مختلف، در یک مجلس دیوان، از طرفین التزام یا تعهدنامه‌ای با شروط مختلف، مبنی بر پذیرش نتیجه بررسی‌ها و به ویژه گردن نهادن به رأی و حکم صادره در محکمه عرف و شرع، أخذ می‌شد. به نظر می‌رسد این امر افزون بر آنکه رویه‌ای اداری بود، اما به واقعیتی در جامعه

آن روزگار بازمی‌گشت؛ زیرا در واقع این امر دریافت تضمین برای وادار کردن افراد به پذیرش رأی و حکم در باب موضوع بود تا افزون بر اجبار اخلاقی و شرعی از نظر قانونی نیز موظف به اجرای حکم بوده، حق پیگیری بعدی، اعراض و شکایت مجدد در موضوع را از خود ساقط می‌کردند. موارد أخذ التزام چنین بودند: ثبت التزام از طرفین دعوی جهت رجوع به محکمه شرع، پذیرش رأی صادره از آن محاکم (ک ۲ ب ۶۶ ر). این نوع التزام‌ها بیشترین فراوانی را در اسناد دارد. نوع دیگر أخذ التزام از طرفین حکم محاکم توسط دیوان عدلیه بود (ک ۲ ب ۸۳ ر؛ ک ۲ ب ۶۹ پ). در برخی از موارد از طرفین دعوی التزام گرفته می‌شد که روند دادرسی را در شروطی که مشخص می‌شد ادامه دهند. از جمله شروط مندرج در التزام‌نامه‌ها موارد زیر مهم‌تر است: التزام به ختم مرافعه در زمان معین (ک ۲ ب ۶۶ پ)، التزام به تأمین خسارت در صورت عدم اثبات ادعا (ک ۲ ب ۷۰ ر)، التزام به انجام مرافعه شرعی (ک ۲ ب ۶۶ پ)، التزام به تأدیه بدهی در صورت عدم ارائه و اثبات اسناد پرداخت بدهی خود (ک ۲ ب ۸۱ ر)، التزام به ادای قسم در مرافعه شرعی (ک ۲ ب ۸۱ پ؛ ک ۲ ب ۶۵ پ). جالب این‌که با وجود رویه‌های فوق در أخذ التزام جهت اجرای احکام توسط طرفین، باز یکی از چالش‌های دیرپای این دوره، عدم وجود سازوکارهای مؤثر جهت اجرای برخی از آرای صادره شرعی و عرفی بود. از این رو گزارش‌هایی در اسناد وجود دارد که از فرمان شاه تا آراء محاکم، حتی با وجود تجدید آن‌ها، اجرا نشده بود.

#### ۲-۷. مسائل ناشی از جعل و مخدوش کردن اسناد

یک مشکل حقوقی و قضائی در آن دوره به جعل یا ایراد خدشه در اسناد و مدارک مربوط بود که از آن با عنوان «فساد سند» یاد می‌شد. یکی از پیچیده‌ترین آن موارد که اختلاف ملکی نیز بود و امر به کارشناسی اسناد و مدارک ارجاع شد، شامل موضوعاتی مختلف می‌شد، مانند جعل اسناد، خریدهای صوری، فروش مال غیر و از جمله این‌که وقف‌نامه‌ها را «پاره‌پاره کرده که جعل و وقف را از میان برده باشند» (ک ۱ ب ۲۵ پ و ۲۶ ر و ۲۶ پ). در دعوی ملکی دیگری مدعی «نوشتجات ساختگی» در دست داشت (ک ۱ ب ۱۵ پ). شیخ فضل‌الله نوری در یک مورد نوشت «... داعی ملاحظه نمودم. از همان نوشتجاتی است که فعلاً در این شهر شایع شده و معلوم‌الفساد است.» آن مصالحه‌نامه که ارائه شده مجهول است (ک ۱ ب ۶ ر). در جریان دادرسی افراد یکدیگر را متهم می‌کردند که اسناد و مدارک ارائه شده را «اشتباهی» طرف مقابل از مراجع ذیربط گرفته است و التزام می‌داد که بطلان اسناد مدعی را اثبات کند و اگر موفق نشد ادعائی نداشته باشد (ک ۲ ب ۷۹ ر). کارشناسی خط و مهر در محضر شرع انجام می‌شد که یا حاکم شرع خود خط اشخاص و مهر آنان را می‌شناخت یا از شهادت افراد بهره می‌گرفت (۱ ب ۵ پ). بر این اساس بود که وزارت عدلیه الزام کرده بود اسناد مهم ملکی و حقوقی باید در



عدلیه ولایات و مرکز به ثبت برسد، در غیر این صورت تأیید اصالت آنها با دشواری روبرو می‌شد.

### ۳-۲. مسائل اجتماعی

#### ۳-۲-۱. چالش‌های مربوط به ناامنی، سرقت و غارت

حکومت ولایات وظائف برقراری امنیت، مقابله با ناامنی (به ویژه دزدی، سرقت) و نیز منع غارت و چپاول را بر عهده داشتند و باید به فوریت به این گونه حوادث رسیدگی کرده و مجازات متناسب را اعمال می‌نمودند. با این وصف شماری از شکایات مطرح در دیوان عدلیه به نارضایتی‌های مردم از عدم رسیدگی به مسائل آنان در این حوزه‌ها، خاصه دو مقوله دزدی و غارت قابل مربوط بود. الف - مسائل مربوط به دزدی: صرف‌نظر از دزدی‌های خرد که در دیوان عدلیه طرح و در محاکم شرع رسیدگی و ختم می‌شد، مواردی از اختلافات در باب دزدی‌ها در عدلیه شده بود (ک ۳ ب ۱۰ پ). بررسی آن موارد حکایت از آن دارد که افراد ترجیح داده بودند این موارد را در دیوان عدالت پیگیری کنند. اگرچه در برخی موارد به ناگزیر موضوع به محضر شرع ارجاع و بررسی مستقل صورت می‌گرفت. یک احتمال آن است که این موارد از تشکیلات نظمیه به دیوان عدالت ارجاع داده شده بود. ب - مسائل مربوط به غارت و چپاول: این مسائل بیشتر به ولایات بود که به دلایل مختلف در دیوان عدالت طرح و رسیدگی می‌شد. اغلب این دعاوی جهت احقاق حق به حکومت ولایات ارجاع می‌شد، اما به نتیجه نرسیدن این قضایا در ولایات محل تأمل است: موارد مطرح چنین بود: در اثر اختلافات ملکی افراد قدرتمند محصول زمین رعایا را غارت می‌کردند و به‌طور معمول تظلم به مقامات عرفی و شرعی محل نیز چاره‌ساز نبود و گاه باید به شاه تظلم می‌شد (ک ۴ ب ۴ پ). گاه غارت اموال با تصرف املاک آنان توأم بود (ک ۴ ب ۴ ر؛ ک ۴ ب ۱۱ پ). این موارد جهت تحقیقات و رسیدگی به موقوف به حکمران ولایت ارجاع داده می‌شد، حکمران موظف بود با احضار طرفین به موضوع رسیدگی کرده و در صورت نیاز به محضر شرع محل طرفین را ارجاع دهد و نتیجه دادرسی را اجرا کند و نتیجه را به دیوان عدلیه گزارش دهد.

#### ۳-۲-۲. مسائل مربوط به قتل

در باب رسیدگی به نزاع‌های منجر به قتل عمد یا سهو مرجع رسیدگی دیوان عدلیه و محاکم شرع در ولایات بودند و چون در مواردی که خلل در رسیدگی رخ می‌داد یا موضوع پیچیده می‌شد، شکایت به سطوح بالاتر کشیده می‌شد. در شکایات واصله به دیوان عدلیه، مواردی شکایت در باب قتل وجود دارد: در جریان حمله و غارت روستاها افراد به قتل می‌رسیدند (ک ۴ ب ۸ ر؛ ک ۲ ب ۷۳ ر). مواد مطرح شده حکایت از پیچیدگی و نیز دخالت عوامل ذی‌نفوذ سیاسی محل - حکمرانان - در قتل‌های رخ داده است که به طور معمول امکان احقاق حق در منطقه وجود نداشت. همه این موارد جهت تحقیقات و

رسیدگی به حکمرانان ولایات ارجاع می‌شد تا در صورت لزوم به محاضر شرع ارجاع و نتیجه بررسی به موقع اجرا گذاشته شود.

#### ۲-۳-۳. بی‌رسمی‌های حکام نواحی

شماری از دعاوی مطرح شده در دیوان عدلیه در سنوات مورد نظر به شکایات رعایا از حکام نواحی و بی‌رسمی‌های آنان مربوط است. تحمیلات مالی نابجا توسط مباشر (ک ۴ ب ۷ ر)؛ عدم اجرای قرارها توسط حکومت با اشخاص (ک ۴ ب ۶ پ)، و زیاده ستانی تیول‌داران (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۸ ذی‌قعدة ۱۲۷۸، نمره ۵۲۱: ۳-۴). گاه حکمران دست به غارت اموال رعایا می‌گشود و با شکایت رعایا اتهامات علیه وی اثبات نیز می‌شد (ک ۱ ب ۲۴ ر). أخذ جریمه، جرمانه و تصرف اموال افراد توسط حاکم که دعوای رعایا را در محاکم طولانی می‌کرد (ک ۱ ب ۱۲ پ) و معمولاً اثبات ظلم آنان بر رعایا با دشواری روبرو بود (ک ۱ ب ۵۲ ر). اثبات أخذ جریمانه از رعایا توسط حکام نیز به دلیل عدم مدارک کافی دشوار بود (ک ۲ ب ۶۵ ر) باید در محضر شرع با قید قسم و احضار شهود از ولایات پیگیری می‌شد. زورگیری حکام از رعایا نیز گزارش شده است که باید مرافعه شرعی می‌شد (ک ۲ ب ۷۸ پ) بیشتر این گونه دعاوی رعایا بر حکام باید با ادای قسم اثبات یا رد می‌شد (ک ۲ ب ۷۵ پ).

#### ۲-۴. مسائل مطرح در دعاوی واصله از ولایات

بخشی از مسائل بازتاب یافته در اسناد مربوط به طرح چالش‌ها و مسائل جاری در ولایات است که به دلایل مختلف در عدلیه مرکز طرح می‌شد. از جمله این که در اثر لاینحل ماندن پیگیری‌ها در ولایات به ناگزیر چالش‌های مختلف به عالی‌ترین سطوح دادرسی و تصمیم‌گیری (شاه و دیوان عدلیه اعظم) کشانده می‌شد. دیگر دلایل طرح دعاوی از ولایات در دیوان عدلیه اعظم چنین بود: سکونت شاکی در تهران، استقرار دادگاه‌های مظالم در تهران و استقرار وزیر عدلیه در تهران. در این دعاوی پس از اعلام رأی و دستورالعمل، رسیدگی به موضوع دعوی که باید در ولایت پیگیری و ختم می‌شد. اطلاعات موجود افزون بر تصویری که از پراکندگی جغرافیایی، چالش‌ها و مسائل زمانه به دست می‌دهد و کانون‌های سرزمینی چالش‌های اجتماعی در این دوره را نشان می‌دهد. مسائل مطرح در تظلمات چنین بود:

الف - مسائل امور ملکی: از مقولات قابل شناسایی در اسناد مورد بررسی، موضوع مالکیت زمین، مستغلات شهری و مسائل مربوط به آن مربوط است. گستره موضوع مسائل مربوط چنین است: عدم استقرار مالکیت و احراز مالکیت (ک ۵ ب ۳ ر؛ ک ۱ ب ۳۸ پ ۳۸ ر). دعاوی بدون سند بر ملک دیگری (ک ۲ ب ۶۵ پ؛ ک ۵ ب ۶ ر) که به تعدد محاکم شرع و نیز پیروی اسلوب معاملات ملکی از محل استقرار مالک بازمی‌گشت. ب - تصرف، غصب و بهره‌برداری از املاک؛ اختلاف در مشاعات: به دلایل اشکالات در ثبت و

نگاهداری اسناد ملکی برخی دعوای‌ها پیچیده می‌شد (ک ۲ ب ۵۸ پ؛ ک ۲ ب ۶۶ ر). ظاهراً فوت مالک غیر ساکن در محل و باقیماندن ملک در دست مستأجر باعث بروز این مشکلات می‌شد. برخی موارد عدم حضور فرد بر سر املاکش در ولایات باعث دخالت افراد در املاک آنان می‌شد (ک ۵ ب ۳ پ). دعوی بر سر حدود اراضی و نحوه تقسیم زمین کشاورزی و بهره‌برداری از آن (ک ۲ ب ۸۴ ر)، اختلاف در باب مالکیت و تصرف زمین (از جمله: ک ۲ ب ۷۶ ر؛ ک ۲ ب ۷۰ پ؛ ک ۱ ب ۴ پ) و اختلاف در باب مالکیت مستغلات شهری (دکان، خانه، کاروانسرا) (ک ۲ ب ۵۹ پ؛ ک ۵ ب ۳ ر). *اختلافات مالی*: طلب رعایا از حاکم (ک ۱ ب ۵۲ ر، ک ۲ ب ۷۵ ر)، اختلاف مالی متوفیان و ورثه آن‌ها (ک ۱ ب ۶ پ)، حساب‌رسی موقوفه (ک ۲ ب ۸۴ پ)، دعوی اجاره قریه (ک ۱ ب ۳۱ ر، ک ۳ ب ۹ ر)، پرداخت دیه (ک ۲ ب ۷۳ ر)، غارت و خسارت مالی به افراد (ک ۴ ب ۸ ر)، *مسائل مالیاتی* (ک ۴ ب ۵ ر، ک ۴ ب ۲ پ). به‌طور کلی چهار دسته مسائل فوق وجه غالب مسائل مطرح در تظلمات و شکایات ولایات است که به دیوان عدلیه واصل شده است. بیشترین حجم مشکلات به اختلافات و دعوای مالی بین افراد مربوط بود، سپس اختلافات بر سر مالکیت زمین و مستغلات شهری مربوط بود. اعتراضات در باب غارت و چپاول اموال مردم و خساراتی که از نظر مالی و جانی به آنها وارد می‌آمد در مرحله سوم قرار داشت. در نهایت مسائل مالیاتی درخواست معافیت‌ها و دعوی در باب اضافه‌ستانی‌های حکام بود. چالش‌های فوق را می‌توان به مانند مسائل اصلی در ولایات نامبرده شده، به شمار آورد.

### ۳. نتیجه

مطالعه حاضر که بر اساس بخشی از مستندات بایگانی دیوان عدلیه اعظم صورت گرفت با شناسایی داده‌های مربوط از خلال گزارش‌های حقوقی و قضایی و پردازش و مقوله‌بندی آن‌ها، به این نتیجه رسید که چالش‌های و مسائل اصلی بازتاب یافته در مستندات مورد بررسی را می‌توان در مقوله‌های اصلی این چنین ساماندهی کرد: چالش‌ها و مسائل اقتصادی، شامل چالش‌های مالی که در آن چالش‌های ناشی از خلل در معاملات، چالش‌های وراثت در تسویه ارث، چالش‌های ناشی از عقود اجاره و چالش‌های مهریه. چالش‌ها و مسائل حقوقی، شامل چالش‌های حقوقی در عقود معاملات، اختلافات مربوط به احراز مالکیت، چالش‌های دعوای ملکی، چالش‌های حقوق وقف، چالش‌های مربوط به وصایت و ارث، چالش‌های طلاق، چالش‌های ناشی از نارسایی در سازمان دادرسی و اجرای احکام صادره از محاکم، چالش‌های ناشی از جعل اسناد. چالش‌های فرهنگی که به طور عمده بر موضوع وقف و مسائل آن تمرکز داشت. نیز در حوزه مسائل جامعه، ناامنی و سرقت و غارت. بر اساس تحلیلی که در رابطه با ارزیابی مقوله‌های مربوط به مسائل و چالش‌های اجتماعی در دوره مورد نظر استخراج شده

است از اسناد بایگانی عدلیه اعظم به دست می‌آید، اولین دسته از چالش‌های اجتماعی به حوزه اقتصادی مربوط بود که خود از بحران‌های فراگیرتری در جامعه؛ مانند اقتصاد وابسته، تورم و پیامدهای اجتماعی آن، مانند ورشکستگی اقتصادی و اجتماعی، متأثر بود. دومین مقوله به وضعیت ناکارآمد نظام حقوقی و قضایی مربوط بود که خود را در اشکالی از مشکلات در سازمان‌های حقوقی - قضایی نشان می‌داد. سومین چالش اساسی به حوزه نامنی مالکیت و امنیت سرمایه و دارایی‌های خصوصی افراد مربوط بود که اشکال اصلی آن در تمایل به دست‌اندازی به اموال عمومی و مالکیت‌های مشاع و اختصاصی و نیز دزدی و غارت خود را نشان می‌داد. بر اساس نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر، سه دسته از مسائل کانونی جامعه ایران در دوره مورد نظر بر اساس یک گونه از اسناد (حقوقی - قضایی) نشان می‌دهد، لازم است مطالعات بعدی مبتنی بر حوزه‌های شناسایی شده طراحی و اجرا گردد تا وفق شیوه‌ای که در این تحقیق در پیش گرفته شد جهت بررسی‌های دقیق‌تر مراحل تحول جامعه ایران، این مسائل در زمینه‌های پژوهشی تبدیل شوند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای دیدن نمونه‌هایی درخوری از این گونه بررسی‌ها، ن. ک: اشرف، ۱۳۵۹، عبداللهیان، ۱۳۹۲، کاتوزیان، ۱۳۹۶.

### منابع

- آدمیت، فریدون و هما ناطق، ۱۳۵۶، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*، تهران، آگاه.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، *اندیشه ترقی و حکومت قانون، عصر سپهسالار*، تهران، خوارزمی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۶۲، *امیرکبیر و ایران*، تهران، خوارزمی.
- استراوس، انسلم و جولیت کربین، ۱۳۹۰، *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران، نی.
- اشرف، احمد، ۱۳۵۹، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه*، تهران، زمینه اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۶۷، *مرآة البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران.
- افشارکهن، جواد، ۱۳۹۰، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی*، تهران، جامعه‌شناسان.
- امین، حسن، ۱۳۸۲، *تاریخ حقوق ایران*، تهران، دایرة المعارف ایران‌شناسی.
- روزنامه دولت علیه ایران، ۱۸ ذی‌قعدة ۱۲۷۸، نمره ۵۲۱، ۳، ۴.
- \_\_\_\_\_، ۲۹ رجب ۱۲۷۸، نمره ۵۱۳، ۵.
- زندیه، حسن، ۱۳۹۲، *تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول*، عصر وزارت عدلیه علی‌اکبر داور ۱۳۰۵-۱۳۱۲، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- طیبی، محمد، ۱۳۸۸، *نظام قضایی و آیین دادرسی ایران، از افشاریه تا انقلاب مشروطه*، کرمان، دانشگاه

شهید باهنر کرمان.

عبداللهی، محمد، ۱۳۸۳، *طرح مسائل اجتماعی در ایران، اهداف و ضرورت‌ها؛ در مسائل اجتماعی ایران (مجموعه مقالات)*، تهران، آگه، صص ۱۱-۳۴.

عبداللهیان، حمید، ۱۳۹۲، *مفهوم‌پردازی واقعیت اجتماعی در جامعه‌شناسی تاریخی، نظام ارباب غایب در ایران*، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و علی‌رضا صادقی، تهران، جامعه‌شناسان.

فرهاد معتمد، محمود، ۱۳۲۵، *تاریخ سیاسی دورهٔ صدارت میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم*، تهران، علمی.

فلور، ویلم و امین بنانی، ۱۳۸۸، *نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی، ترجمه حسن زندیه، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.*

کاتوزیان، محمدعلی همایون، ۱۳۹۶، *تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران؛ ترجمه علیرضا طیب، نشر نی.*

کتابچه ثبت قبایح دیوان‌خانه عدلیهٔ اعظم، از بابت هذه السنه لوی ئیل ۱۳۲۲ شهر محرم‌الحرام،

کتابچه ثبت التزامات دیوان‌خانه عدلیهٔ اعظم، از بابت هذه السنه لوی ئیل ۱۳۲۲ شهر محرم‌الحرام،

کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، شماره ثبت ۸۳۱۷.

کتابچه عرایض و تظلمات دیوان عدلیه، کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، بخش دیجیتال، شمارهٔ نسخهٔ ۱۱۰۲۴، سه دفتر، دفتر اول ۱/۳-۱۱۰۲۴، دفتر دوم ۲/۳-۱۱۰۲۴، دفتر سوم ۳/۳-۱۱۰۲۴.

کرون، جیمز، ۱۳۹۰، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، ترجمه مهرداد نوابخش و فاطمه کرمی، تهران، جامعه‌شناسان.*

کسروی، احمد، ۱۳۶۳، *تاریخ انقلاب مشروطه ایران*، تهران، امیرکبیر.

لوزیک، دانیلین، ۱۳۸۸، *نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی*، ترجمه سعید معیدفر، تهران، امیرکبیر.

مجموعهٔ نویسندگان، ۱۳۸۳، *مسائل اجتماعی ایران*، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، آگه.

محقق حلی، نجم‌الدین جعفر ابن حسن بن یحیی بن سعید هذلی، ۱۳۷۴، *شرائع الاسلام*، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران.

مهدوی دامغانی، احمد، ۱۳۸۳، *محاكم قضایی در زمان قاجاریه، مجله کانون*، ش ۵۴.

یوسفی‌فر، شهرام، تابستان ۱۳۹۸، *گردش کار اداری بین محاکم عرف و شرع در آستانهٔ مشروطیت، براساس بایگانی دیوان عدلیهٔ اعظم، گنجینه اسناد*، س ۲۹، دفتر ۲، صص ۱۷۵-۱۵۰.

Kondo, N., 2017, *Islamic law and society in Iran: A social history of qajar Tehran*. Routledge: London and New York.